

بنيان فقہ



سرمقالہ

بنیان فقه

الف.

بی‌تردید نظام حقوقی اسلام به عنوان فراوردهٔ ارزشمند فقه اسلامی، از سامان‌مندی و پویایی یک نظام حقوقی پیش‌رو برخوردار است. یک نظام حقوقی کامل، شامل مجموعه‌ای از قوانین گسترده است که مبتنی بر قواعد متعدد عام و اصول منسجم باشد و جامعیت و کارآمدی قواعد عمومی آن، پویایی و روزآمدی قوانین آن را به ارمغان آورد و در عین حال، ضمانت اجرای قوانین را پیش‌بینی کرده باشد.

از این رو وجود قواعد فقهی متعدد و متنوع، فقه اسلامی و نظام حقوقی مبتنی بر آن را، در جایگاهی فراتر از احکام و قوانین ساده نشانده و از نظامی شبکه‌ای و استوار، بهره‌مند ساخته است. موضوعات متنوع این قواعد - که از طهارت تا دیات را در برمی‌گیرد و شامل عرصه‌های مختلف عمومی، مدنی، خصوصی، کیفری و ... می‌شود - نشانگر گستردگی و دیرینگی تفکر سازمان‌یافته در دانش فقه است.

تعداد این قواعد بسته به مبنای صاحب‌نظران، از هفتاد تا پانصد برآورد شده است. بررسی تفاوت‌های میان دیدگاه‌های حداقلی و حداکثری، نشان می‌دهد تکثیر افراطی قواعد فقهی، تا حد زیادی ناشی از خلط قواعد فقه با همگنان آن - یعنی قواعد اصول فقه، ضوابط فقه، نظریه‌های عام فقه، و اشباه و نظائر فقه - است. زین سبب، حفظ مرز قواعد فقه با همتایان آن، شایان دقت است.

ساختار و طبقه‌بندی قواعد فقه نیز از مسائل مهمی است که باید به آن پرداخت و نسبت آن را با تدوین مسائل و ابواب فقهی مشخص کرد. عده‌ای به تبعیت از ساختار علم حقوق، آنها را در چارچوبه: بخش مدنی، بخش جزاء، بخش قضاء، بخش خصوصی

و ... طرح کرده‌اند. برخی دیگر نیز، متأثر از ساختار رایج ابواب فقهی، آنها را در دو دسته بزرگ: قواعد فقه عبادات و قواعد فقه معاملات، و یا در دسته‌های متعددی متناسب با ابواب فقهی جای داده‌اند. با توجه به اختلاف قواعد فقهی در دامنه کاربرد و وسعت موضوع، تقسیم آنها به: قواعد مشترک فقه، قواعد فقه عبادات، قواعد فقه خانواده (و امور مرتبط)، قواعد فقه اموال و معاملات، و قواعد فقه قضاء و حکومت می‌تواند گزینه قابل توجهی باشد.

ب.

نخستین تألیف مستقل فقهای امامیه پیرامون قواعد فقهی، «القواعد و الفوائد» نگاشته شهید اول (م ۷۸۴ ه.ق.) است که سیصد و سه قاعده و صد فائده فقهی را در بردارد. به نظر می‌رسد وی طرح کلی قواعدنگاری را از مصنفات فقهای دیگر مذاهب گرفته، ولی بر مبنای فقه شیعه آراسته است. چه این که نخستین تألیف مستقل فقهای اهل سنت مدتها پیش از وی توسط عبدالله بن حسین بن دلال کرخی حنفی (م ۳۴۰ ه.ق.) با تصنیف: «الأصول التي عليها مدار فروع الحنفية» به رشته تحریر درآمده و پس از آن نیز توسط فقهای مذاهب اربعه همچون دبوسی قاضی حنفی (م ۴۳۰ ه.ق.)، ابن دوست (م ۵۰۷ ه.ق.)، جاجرمی شافعی (م ۶۱۳ ه.ق.)، عزالدین بن عبدالسلام شافعی (م ۶۶۰ ه.ق.)، احمد بن علاء صنهاجی مشهور به قرافی (م ۶۸۳ ه.ق.)، طوفی حنبلی (م ۷۱۰ ه.ق.)، ابن علاء شافعی (م ۷۶۱ ه.ق.)، تاج الدین سبکی شافعی (م ۷۷۱ ه.ق.) ادامه یافته بود. تحقیقات نشان می‌دهد آن شهید بزرگوار بیشترین استفاده را از کتب ابن عبدالسلام، و شاگردش قرافی و نیز کتب ابن علاء شافعی برده است.

پس از وی فاضل مقداد (م ۸۲۶ ه.ق.) به تهذیب و ترتیب کتاب او همت گماشت و آن را «نضد القواعد الفقهية» نامید و سپس این مسیر با تألیفاتی همچون آثار ذیل ادامه یافت:

تمهید القواعد، شهید ثانی (م ۹۷۶ ه.ق.)؛

عوائد الأيام، ملا احمد نراقی (م ۱۲۰۹ ه.ق.) مشتمل بر هشتاد و هشت عائده؛

العناوين، سیدعبدالفتاح مراغی (م ۱۲۷۴ ه.ق.) حاوی نود و سه قاعده؛

تحریر المجلة، علامه محمدحسین آل کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ ه.ق.)؛

بلغة الفقيه، سیدمحمد بحر العلوم (م ۱۳۲۶ ه.ق.).

در دوره معاصر، علاوه بر استمرار تکنگراری در قواعد فقهی همچون دوره‌های قبل، تألیف آثار جامع و مشتمل بر قواعد متعدد توسعه یافت و اهم آنها عبارتند از: قواعد الفقهیه، آیت الله میرزا حسن بجنوردی (م ۱۳۹۵ ه.ق.) مشتمل بر هفتاد قاعده؛

القواعد الفقهیه، حضرت آیت الله محمد فاضل لنکرانی (م ۱۴۲۸ ه.ق.)؛
 القواعد الفقهیه، حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی؛
 دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه، آیت الله شیخ باقر ایروانی؛
 القواعد الفقهیه و الأصولیه علی مذهب الإمامیه، لجنة تحقیق در مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی؛
 القواعد، استاد سید کاظم مصطفوی؛
 مجموعه‌هایی نیز به زبان فارسی فراهم آمده که مهم‌ترین آنها را استاد سید مصطفی محقق داماد و استاد سید محمد موسوی بجنوردی به رشته تحریر در آورده‌اند.
 آثار این دوره، کم و بیش در برنامه‌های آموزشی رشته‌های فقه و حقوق اسلامی در حوزه و دانشگاه به عنوان متن درسی مورد اقبال قرار گرفته‌اند.

ج.

توسعه و تعمیق قواعد فقه، راهی برای انسجام و گشایش ابهامات و بن‌بست‌ها در فقه مستحدثات است، و مطلعی برای رهایی از عرفی‌سازی و روش‌گریزی؛ آنچنان که در پرتو آنها می‌توان به بنیانی برای نوسازی فقه دل بست.
 به این دلیل و دلایلی دیگر، پیشنهاد می‌شود قواعد فقه علاوه بر طرح و بحث مستقل، به تدریج در ابتدای ابواب فقهی متناسب، جای گیرد تا بحث‌های استدلالی فقهی، با اشتغال همزمان بر قواعد و مسائل، از غنا و کلیت بیشتری برخوردار شوند و ساختار شبکه‌ای علم فقه، بهتر انعکاس یابد.
 به علاوه نقش مهم قواعد فقه در فرآیند استنباط احکام شرعی و اجتهاد فقهی، می‌سزد جایگاه شایسته خود را در برنامه آموزشی فقهی باز یابد. چه این که در برنامه آموزشی کنونی حوزه، به قواعد فقه اعتنایی نمی‌شود و طلاب سطوح عالی، بی‌بهره از این حوزه مهم دانش‌های فقهی، به درس خارج و عرصه آموزش‌های تخصصی فقه پای می‌نهند. از این رو شایسته است برپایی کرسی‌های تدریس قواعد فقه در سطوح مختلف عمومی، عالی و تخصصی، و نشر متون مختلف پژوهشی، آموزشی و مطالعاتی،

مورد اهتمام اساتید، محققان و مدیران مراکز حوزه قرار گیرد.

د.

تدریس قواعد فقه توسط استاد گرانقدر حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد مروارید دامت برکاته طی دو دوره عالی فقه مقارن در گروه آموزشی فقه و مبانی اجتهاد وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، فرصت مبارکی بود تا دانش‌پژوهان این دوره‌ها قواعد پرکاربرد در فقه شیعه و شیوه تطبیق آن بر فروع فقهی را فراگیرند و با آرای سایر مذاهب فقهی و دیدگاه‌های حقوقی مقایسه کنند. این درس، در قالب «قواعد مشترک فقه»، «قواعد فقه عبادات»، «قواعد فقه خانواده»، «قواعد فقه اموال و معاملات» و قواعد «فقه قضاء و حکومت» ارائه گردیده است. مقالات بخش ویژه این شماره در کنار بخش عادی فقه و اصول، حاوی تقریر فشرده‌ای از اهم درس معظم‌له پیرامون اهم «قواعد فقه اموال و معاملات» است که با مطالعات تکمیلی دانش‌پژوهان دوره عالی فقه مقارن (ورودی سالهای ۸۳ و ۸۵) همراه شده است.

محتوای مقالات این بخش، منعکس کننده دیدگاه‌های فقه‌های معاصر شیعه، به همراه ارجاعاتی به فقه عامه و دیدگاه‌ها و مقررات حقوقی است، و این رویکرد محتوایی، آنها را از مقالات مشابه متمایز می‌سازد. ترتیب مطالب در اغلب این مقالات عبارت است از: مفاهیم پایه یک قاعده، ادله و مستندات، دامنه قاعده، دیدگاه‌های فقه عامه، دیدگاه‌های حقوقی و بالاخره تطبیقات قاعده.

البته از آنجا که نشر مقالات در فصلنامه جستار، اقتضای اختصار نسبی و سطح محدودی از پیچیدگی را دارد، از حجم و تفصیل محتوای اولیه مقالات، کاسته شده و امید می‌رود در آینده‌ای نزدیک، محتوای کامل آنها به صورت مستقل انتشار یابد؛ ان شاء الله تعالی.

مدیرمسئول